با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

پل مکانیزه میدان شوش به مدار استفاده باز گردد

پله‌برقی پل عابر پیاده میدان شوش اول فداییان اسلام خراب است و مدت‌ها در آن قفل است و مردم در این منطقه پرترافیک و مملو از موتور مجبورند از خیابان رد شوند که هم خطرناک است و همه به ترافیک بیشتر دامن می‌زند. لطفا برای تعمیر و بازگشایی این پل اقدام شود.

سینا از شوش

صبوری مردم به دفع دسیسه‌ها در طرح هدفمندی یارانه می‌انجامد

همبستگی و اتحاد اسلامی نعمتی بی‌نهایت گرانقدر با آثار و نتایج ماندگار دنیوی و اخروی است و پایبندی به آن ملت و نظام اسلامی را از هر نوع آسیب و حوادث روزگار مصون می‌دارد. نمونه آن خنثی شدن دسیسه‌های دشمنان ضدانقلاب به‌خاطر گرانی است که با هوشمندی دولت در حال دفع شدن است و امید است صبوری مردم به دفع هر چه سریع‌تر این دسیسه منجر شود.

عقبایی از مشهد

سرانجام طرح پرداخت یارانه مستقیم به مردم خوب خواهد شد

روز اول که قرار شد یارانه‌ها واریز شود جوی منفی ایجاد شد که ممکن بود اقدامات در خور تحسین و شجاعانه ریاست‌جمهوری را کمرنگ کند اما پس از سخنرانی روشنگرانه و واریز سریع یارانه‌ها خیلی از افکار شبهه‌برانگیز و گمانه‌زنی‌های بی‌اساس مردود شدند و با تدابیر اتخاذ شده بی‌شک سرانجام این طرح خوب خواهد شد.

عاصمی از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

کسب‌وکارهای خانگی نیازمند حمایت جدی‌تر هستند

به واسطه شیوع کرونا و بالا رفتن قیمت‌ها، بسیاری از افراد دستفروش یا خانه نشین شده و مشغول کار و تولید در مشاغلی نظیر خیاطی، شیرینی‌پزی و... در خانه‌هایشان شده‌اند. همین کسب‌وکارها که باعث حفظ آبرو و کیان خانواده‌ها شده‌اند اگر درست حمایت شوند می‌توانند باعث امنیت‌خاطر جامعه شوند.

حسن لو از کرمان

جاده الموت ایمن‌سازی و روشن شود

خبر درگذشت معلم یکی از روستاهای الموت در جاده کوهستانی مسیر خدمتش بسیار ناراحت‌کننده است. از آن مسیر تردد کرده‌ام و جا دارد مسئولان فکری برای مرمت و ایمن‌سازی این جاده پرخطر کنند که هرازگاهی عزیزی را به کام مرگ می‌کشاند. اطراف این جاده تماما دره است درحالی که هیچ حائل و گاردریلی ندارد. مسیر تاریک و بدون نور است و به‌خصوص در ابتدای صبح و شب‌ها بسیار خطرناک است و یک لحظه غفلت یا اختلال در سیستم فرمان و ترمز و گاز برابر سقوط به ته دره و مرگ است.

زهرا طاهری از تهران

کانال‌های افزایش قیمت شناسایی و مسدود شود

با واریز طرح مردمی‌سازی و عادلانه کردن یارانه‌ها سرانجام طلسم تکان نخوردن مبلغ ۴۵هزار و ۵۰۰تومانی شکست و این تحول، واقعا جای نهایت تقدیر و تشکر دارد. شادی اجرای این طرح و اثرات مثبت آن در آینده نزدیک نیازمند نهایت هوشیاری مسئولان است تا این مهم زمینه فرصت‌طلبی برای افزایش قیمت‌ها نشود. بنابراین ضروری است کانال‌های افزایش قیمت جدید سایر کالاها شناسایی و مسدود و با خاطیان برخورد قاطع شود.

فرهمند از سلماس

خرید اعتباری برای بازنشستگان تامین‌اجتماعی در نظر بگیرند

لطفا برای بازنشستگان تامین‌اجتماعی همانند بازنشستگان کشوری برای خرید اعتباری از فروشگاه افق کورش اقدام شود. این روزها اوضاع بازنشستگان با حقوق‌هایی که به رقم سال گذشته است خوب نیست و اکثرا به سختی اموراتمان را سپری می‌کنیم.

مهدی از تهران

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

کسی که فقط یک مسکن مهر دارد چرا نباید یارانه بگیرد

بازنشسته هستم و تاکنون از یارانه و کمک معیشتی برخوردار بودم و حتی در سیستم بانکی هم دارای ۳فقره قسط هستم ولی با تجمیع یارانه و کمک معیشت بنده در دهک دهم قرار گرفتم درحالی که چند تن از همکاران سابقم که آنها هم بازنشسته شده‌اند مشمول دریافت شده‌اند. بنده جز یک واحد مسکونی که آن هم مسکن مهر در هشتگرد است هیچ واحد مسکونی دیگری هم ندارم. جز یک حقوق بازنشستگی درآمد دیگری ندارم و در کار بورس و معاملات هم نیستم. چگونه است بنده و امثال بنده با افراد خیلی مرفه در یک دهک قرار داده شده‌ایم. آیا این حق است که اینجوری با ما بازنشستگان برخورد شود. آیا از نگاه مسئولان ما بازنشستگان خیلی مرفه هستیم؟

محمدحسین عسگری از تهران

تلفن‌های ثابت استان خوزستان دچار اختلال شده‌اند

مدتی است که تلفن‌های ثابت استان خوزستان به‌خصوص شهر اهواز دچار اختلال و قطعی مداوم شده‌اند. از مسئولان مخابرات درخواست رسیدگی و حل این مشکل را داریم.

نعمتی از اهواز

فروشگاه‌های بزرگ با تبلیغات کذب سر مشتریان کلاه می‌گذارند

اغلب از فروشگاه‌های بزرگ با وعده تخفیف به‌علت انبار گردانی و غیره پیامک فروش ویژه می‌دهند و افراد را ترغیب به حضور در فروشگاه می‌کنند. اغلب افراد از جمله من و خانواده‌ام وقتی مراجعه کرده و خرید کردیم پس از کنترل فاکتور متوجه شدیم نه‌تنها تخفیفی در کار نیست بلکه در نهایت از قیمت درج شده روی اقلام خریداری شده هم بیشتر پرداخته‌ایم. به‌طور جدی باید به تخلفات فروشگاه‌های زنجیره‌ای رسیدگی و با آنها برخورد شود.

یزدانیان از تهران

پسر جوانی که ۶سال قبل دست به جنایت زده و در آستانه قصاص بود به زندگی بازگشت

۳شرط برای بخشش قاتل

دادسرا

پسری جوان که ۶سال قبل در یک درگیری جان بچه محل خود را گرفته و به قصاص محکوم شده بود وقتی برای چهارمین بار پای چوبه دار رفت در آخرین لحظات با ۳شرط برای بخشش از سوی اولیای دم مواجه شد و از قصاص گریخت.

به گزارش همشهری، یکی از روزهای خرداد سال ۹۵بود که جوانی ۲۸ساله به نام محسن برای هواخوری به پارکی درجنوب تهران رفت. او کارش نظافت برج‌های مسکونی یا تجاری بود و همان لحظه یکی از افرادی که با او کار می‌کرد با موبایلش تماس گرفت. محسن درحال پیاده روی در پارک بود که تلفن را پاسخ داد و وقتی بر سر مسائل کاری با مرد آشنا جروبحثش شد با لحن تندی با او صحبت کرد. او بی‌وقفه فریاد می‌کشید و به جوانی که آنسوی خط بود ناسزا می‌گفت و همان لحظه یکی از جوانان محله به نام فرزاد که او هم برای هواخوری و پیاده روی به پارک رفته بود از کنار محسن گذشت. فرزاد وقتی دید محسن با صدای بلند در حال صحبت است و حرف‌های نامربوط می‌زند به او اعتراض کرد. فرزاد می‌گفت خانواده‌ها که در پارک هستند ممکن است صدای او را بشنوند. اما محسن که همچنان تلفنی در حال دعوا بود وقتی با اعتراض بچه‌محلشان روبه‌رو شد عصبانیتش شدت یافت و از فرزاد خواست که دخالت نکند. همین آغاز درگیری میان آن دو نفر شد و دقایقی بعد دوستان آنها نیز وارد دعوا شدند. درگیری میان آنها شدت گرفته بود و در همین هنگام برادر فرزاد که در حال بازگشت از محل کارش بود صدای درگیری را شنید و برای میانجیگری وارد دعوا شد. او سعی داشت افراد درگیر را که همه هم‌محلی بودند آرام کند اما میانجیگری او کار دستش داد و به قیمت جانش تمام شد چرا که محسن با ضربه چاقو، وی را به قتل رسانده و متواری شد.

قصاص

در آن زمان پرونده درگیری مرگبار به جریان افتاد و اگرچه قاتل فراری شده بود اما مأموران خیلی زود موفق شدند مخفیگاه وی را شناسایی کنند و به فرار متهم پایان بدهند. وی در بازجویی‌ها به قتل اقرار کرد و گفت هرگز قصد آدمکشی نداشته است. او گفت:وقتی برادر مقتول به تلفن من اعتراض کرد به‌شدت عصبانی شدم. چون در حال صحبت با فردی بودم که با او اختلاف داشتم و به اندازه کافی حرف‌های او مرا ناراحت کرده بود. پس از آنکه فرزاد به من اعتراض کرد و دعوا شروع شد دوستانم صدای درگیری را شنیده و به حمایت از من وارد درگیری شدند. دقایقی بعد هم مقتول یعنی برادرفرزاد رسید و وقتی دلیل دعوا را پرسید برایش ماجرا را تعریف کردم اما او به جای آنکه حق را به من بدهد از برادرش حمایت کرد. این اتفاق باعث شد تا دوباره از کوره در بروم و همان لحظه یکی از دوستانم چاقویی به من داد که در اوج خشم ضربه‌ای به سمت مقتول پرتاب کردم. از بخت بدم چاقو درست به قفسه سینه مقتول برخورد کرد و جانش را گرفت و من ناخواسته تبدیل به قاتل شدم. از روزی که متوجه شدم جان جوان بی‌گناهی را گرفته‌ام دچارعذاب وجدان شدیدی شدم چون قصد قتل نداشتم و همه‌چیز کاملا اتفاقی بود.

متهم پس از اعتراف به قتل، صحنه جنایت را بازسازی کرده و روانه زندان شد. وی پس از مدتی در دادگاه کیفری پای میزمحاکمه رفت و به قصاص محکوم شد.

بازگشت به زندان از پای چوبه دار

اگرچه قاتل به حکم اعتراض کرد و پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد اما قضات دیوان نیز مهر تأیید بر حکم قصاص قاتل زدند و پرونده برای انجام مقدمات اجرای حکم به شعبه اجرای احکام فرستاده شد.

جوان محکوم به قصاص در این مدت ۳مرتبه پای چوبه دار رفت اما هر بار در آخرین لحظات موفق شد از اولیای دم مهلت بگیرد و به زندان برگردد. او آخرین بار چهارشنبه هفته گذشته و برای چهارمین بار پای چوبه دار رفت که در آخرین لحظات از خانواده مقتول خواهش کرد تا او را ببخشند و حکم را اجرا نکنند. سرانجام التماس‌های قاتل و تلاش اعضای تیم چترنجات دادسرای جنایی تهران که در زمینه صلح و سازش فعالیت می‌کنند نتیجه داد و موجب شد تا اولیای حکم را اجرا نکنند. آنها ۳شرط برای بخشش قاتل تعیین کردند؛نخست دریافت دیه، دوم اینکه خانواده قاتل از آن محله بروند و سوم اینکه قاتل تعهد و ضمانت بدهد که هرگز درمحلی که خانواده مقتول زندگی می‌کنند آفتابی نشود و به کسی آسیب نرساند. خانواده قاتل شرط را پذیرفته و محله را ترک کردند و همین موجب شد تا قاتل از چوبه دار فاصله بگیرد و پس از آن با پرداخت دیه و ضمانت نامه، رضایت اولیای دم در پرونده ثبت شود.

فرزندان خردسال زنی که دچار مرگ مغزی شده بود اعضای بدن او را اهدا کردند

خداحافظی تلخ با مادر

داخلی

اعضای بدن زنی جوان که در تصادفی وحشتناک دچار مرگ مغزی شده بود با اعلام رضایت خانواده‌اش به چندین بیمار نیازمند اهدا شد. اما این زن چطور دچار مرگ مغزی شد و خانواده‌اش در چه شرایطی تصمیم به اهدای اعضای بدن او گرفتند.

به گزارش همشهری، این زن ۳۶ساله که ثویبه عزیزی نام داشت همراه همسر و دختر و پسر ۱۴ و ۶ساله‌اش در سنندج زندگی می‌کرد. با وجود اینکه شوهر این زن با همه وجود کار می‌کرد اما مشکلات زندگی باعث شده بود که او هم دست از تلاش برندارد. این زن همراه تعداد دیگری از زنان منطقه در کار بافت کلاش (نوعی کفش محلی) بودند و این راه کمک خرجی برای زندگی‌شان بود.

زن جوان وابستگی زیادی به خانواده‌اش داشت. او چند سال قبل پدر و مادرش را از دست داده بود و در ماه‌های قبل هم برادرانش جان خود را از دست داده بودند. او همه زندگی‌اش را وقف ۲فرزندش کرده بود و برای اینکه آنها زندگی راحتی داشته باشند همه تلاشش را انجام می‌داد. زن جوان چند روز قبل همراه با خواهر و خواهرزاده‌اش به شهر دیواندره رفته بودند. آن روز اما در راه برگشت از دیواندره به سنندج حادثه تلخی برایشان اتفاق افتاد. خودروی آنها که یک پیکان بود در کیلومتر ۱۰جاده دیواندره- سنندج بنابه دلایل نامشخصی از مسیر اصلی منحرف شد و به‌شدت با یک کامیون برخورد کرد. شدت این حادثه به حدی بود که خواهر ثویبه و زن دیگری که در خودرو بودند در دم جان خود را از دست دادند. مرد راننده و خواهرزاده ثویبه دچار مصدومیت شدند اما خودِ او دچار وضعیت وخیمی شد. وقتی امدادگران اورژانس این زن را به بیمارستان منتقل کردند سطح هوشیاری پایینی داشت. در همان معاینه‌های اولیه معلوم شد که در جریان تصادف ضربات شدیدی به سر این زن اصابت کرده است و جانش در خطر است. به همین دلیل پزشکان همه تلاش خود را برای نجات او انجام دادند اما ۴روز بعد او که در کما بود دچار مرگ مغزی شد.

اعلام این واقعیت تلخ به خانواده زن جوان یکی از سخت‌ترین کارهای دنیا بود. کاری که بر عهده یکی از پزشکان بیمارستان گذاشته شد تا او علاوه بر اینکه خبر مرگ مغزی ثویبه را به خانواده‌اش می‌دهد، با آنها درباره امکان اهدای اعضای بدن او به بیماران نیازمند صحبت کند. باور حادثه‌ای که اتفاق افتاده بود برای همسر و ۲ فرزند خردسال ثویبه دشوار بود. آنها نمی‌توانستند به همین سادگی قبول کنند که مادر خانواده، آنها را ترک کرده است. به همین دلیل جلب رضایت‌شان چند روزی طول کشید تا اینکه سرانجام موافقت کردند که اعضای بدن او به چند بیمار نیازمند اهدا شود.

وداع تلخ با مادر

با وجود اینکه چند روز از فوت این زن می‌گذرد اما همه اعضای خانواده‌اش در شوک هستند و نمی‌توانند در این‌باره صحبت کنند. با این حال خالد مرادیان، یکی از نزدیکان این خانواده جزئیات بیشتری از این حادثه را برای همشهری بازگو می‌کند و می‌گوید: این زن خیلی برای خانواده‌اش زحمت می‌کشید. او در زندگی‌اش سختی‌های زیادی کشیده بود و همین چند وقت قبل برادرانش را از دست داد. همه دلخوشی او فرزندانش بودند و به خاطر آنها به سختی کار می‌کرد. این مرد ادامه می‌دهد: وقتی این حادثه اتفاق افتاد چون او برادر نداشت، کارهای مربوط به اهدای عضو را من انجام دادم. ابتدا خانواده‌اش برای اهدای عضو راضی نمی‌شدند و این کار برایشان سخت بود. اما وقتی من و چند نفر دیگر از بزرگان فامیل با آنها صحبت کردیم و گفتیم که فوت شدن ثویبه قطعی است و او دیگر به زندگی برنمی‌گردد اما با اهدای اعضای بدنش چند نفر دیگر زنده می‌مانند؛ همسر، خواهران و فرزندانش برای اهدای عضو راضی شدند و پیکر او برای جداسازی اعضای بدن به تهران منتقل شد و همه اعضایی که قابل اهدا بود برداشته و به بیماران نیازمند پیوند زده شد. وداع با مادر برای بچه‌های ثویبه خیلی سخت بود اما آنها سعی کردند با این واقعیت تلخ کنار بیایند و برای شادی روح مادرشان هم که شده راضی به اهدای عضو شدند. پیش از این اتفاق همه از خانواده ثویبه با احترام زیادی یاد می‌کردند اما حالا با تصمیمی که اعضای خانواده‌اش گرفته‌اند احترام همه نسبت به آنها بیشتر شده است.

پایان جیب‌بری‌های خواهران دوقلو

انتظامی

خواهران دوقلوی افغان و برادرشان که دست به جیب‌بری در شمال تهران می‌زدند با هوشیاری آخرین طعمه‌شان به دام افتادند.

به گزارش همشهری، از مدتی قبل شکایت‌های متعددی در کلانتری ۱۰۱تجریش مطرح شد که از جیب‌بری‌های سریالی در محوطه امامزاده صالح(ع) و اطراف آن حکایت داشت. بیشتر شاکیان زنانی بودند که برای زیارت راهی امامزاده شده بودند، اما در آنجا به دام جیب‌بران حرفه‌ای افتاده بودند. هر چند برخی از شاکیان زمانی متوجه سرقت شده بودند که اثری از دزدان نبود و اصلا نمی‌دانستند که چطور محتویات جیب یا کیف‌شان دزدیده شده، اما برخی از آنها حدس می‌زدند که سرقت توسط ۲دختر جوان صورت گرفته است. یکی از آنها به مأموران گفت: در محوطه امامزاده و جایی بودم که نسبتا شلوغ شد. همان لحظه متوجه دختر جوانی شدم که به من نزدیک شده و مرا هول می‌دهد. چون شلوغ بود، شک نکردم، اما بعد از دقایقی وقتی کیفم را باز کردم از تلفن همراهم خبری نبود. هر چه گشتم اثری از آن پیدا نکردم و وقتی با تلفن همراه یکی از رهگذران با آن تماس گرفتم، خاموش بود و آنجا بود که فهمیدم گوشی‌ام سرقت شده و شک ندارم که سرقت از سوی همان دختر جوانی صورت گرفته که به من نزدیک شده بود.

با افزایش شکایت‌ها، تحقیقات مأموران برای شناسایی و دستگیری سارقان جیب‌بر به‌طور ویژه ادامه پیدا کرد تا اینکه چند روز پیش، تیمی از مأموران هنگام گشتزنی متوجه زنی شدند که با ۲دختر جوان درگیر شده بود. چهره و مشخصات هر دو دختر جوان شبیه همان جیب‌برهای تحت تعقیب بود که برخی از شاکیان به‌خاطر داشتند. در این شرایط مأموران وارد درگیری آنها شدند و هر دو دختر را به همراه پسری که همراهشان بود، دستگیر کردند. در این میان زنی که با آنها درگیر شده بود به مأموران گفت: لحظاتی قبل یکی از این دختران به من نزدیک شد و هولم داد. دختر دیگر هم دستش را داخل کیفم کرد که موبایلم را سرقت کند، اما همان لحظه متوجه شده و با آنها درگیر شدم.

متهمان دستگیر شده ۲خواهر ۲۰ساله دوقلو و برادر ۱۷ساله آنها بودند که وقتی مأموران به بازرسی وسایل همراهشان پرداختند یک گوشی موبایل پیدا شد که متعلق به آنها نبود. در حقیقت سارقان افغان این گوشی را لحظاتی قبل‌تر و از طعمه دیگری سرقت کرده بودند و پس از آن قصد سرقت از زن جوان را داشتند که او متوجه ماجرا شده و با آنها درگیر شده بود. با کشف گوشی سرقتی هر سه متهم به کلانتری منتقل شدند و در جریان بازجویی‌ها معلوم شد که با این شگرد از ده‌ها نفر جیب‌بری کرده‌اند. این در حالی بود که پس از دستگیری آنها، ۱۵نفر از مالباختگان شناسایی شدند و تحقیقات برای شناسایی دیگر مالباختگان ادامه دارد. به‌گفته سرهنگ محمدباقر قدم‌زاده، سرکلانتری یکم پلیس پیشگیری تهران، متهمان در جریان بازجویی‌ها مدعی شده‌اند که سابقه کیفری ندارند و نخستین بار است که دست به جیب‌بری می‌زنند، با این حال هر سه نفر آنها به مرجع قضایی معرفی شده‌اند و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

زورگیران شهریار دستگیر شدند

چند روز پس از انتشار فیلم زورگیری از زنی در شهریار که انتشار تصاویر آن در شبکه‌های اجتماعی بازتاب زیادی داشت، دادستان این شهر از دستگیری زورگیران خبر داد. به گزارش همشهری، چند روز قبل فیلمی کوتاه که صحنه زورگیری از زنی توسط زورگیران مسلح را نشان می‌داد در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که بازتاب گسترده‌ای داشت. آنطور که در این فیلم نشان داده می‌شد ۳پسر جوان که ظاهرا مسلح بودند با تهدید، زیورآلات زنی را سرقت کرده و گریختند. هرچند ابتدا مشخص نبود که این سرقت خشن در کجا اتفاق افتاده است اما در ادامه مشخص شد که محل زورگیری شهرک وائین شهریار واقع در غرب استان تهران است.

به‌دنبال این حادثه دادستان شهریار از تشکیل گروهی متشکل از مأموران زبده پلیس آگاهی برای شناسایی و دستگیری زورگیران خبر داد و گفت که دستورات قضایی لازم برای دستگیری متهمان صادر شده و اقدامات لازم به‌صورت شبانه‌روزی در دست انجام است.

هرچند از آن زمان خبری درباره این پرونده منتشر نشد اما روز گذشته (یکشنبه) دادستان شهریار اعلام کرد که زورگیران دستگیر شده‌اند. حمید عسکری‌پور گفت: پیرو فیلم منتشر شده در فضای مجازی مبنی بر سرقت به عنف از یک خانم در شهرک وائین شهریار، پس از صدور دستور قضایی، متهمان شناسایی و بازداشت شدند. به‌گفته او پرونده در مرحله تکمیل تحقیقات مقدماتی است.

کوتاه از حادثه

قرار مرگبار مقابل پارک

۲پسر جوان بر سر اختلافات مالی در مقابل پارکی در مشهد درگیر شدند و یکی از آنها با ضربه چاقو دیگری را به قتل رساند.

به گزارش همشهری، حوالی نیمه‌شب شنبه به قاضی محمود عارفی‌راد، بازپرس جنایی مشهد گزارش شد که جوانی ۲۵ساله که در جریان یک درگیری با ضربات چاقو مجروح شده بود، در یکی از بیمارستان‌ها جانش را از دست داده است.

به‌دنبال این تماس، قاضی جنایی به همراه تیمی از کارآگاهان راهی بیمارستان شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد که مقتول ساعاتی قبل‌تر و در مقابل پارکی در منطقه قاسم‌آباد با جوان دیگری درگیر شده بود که در جریان این درگیری با ضربات چاقو مجروح و به بیمارستان منتقل شده بود. ضارب نیز همزمان با این اتفاق گریخته و این شاهدان بودند که با پلیس و اورژانس تماس گرفته و ماجرا را گزارش کرده بودند. با حضور تیم جنایی در محل حادثه معلوم شد که قاتل و مقتول هر دو ۲۵ساله بودند و از مدتی قبل با هم دچار اختلاف حساب شده و یکی از آنها به دیگری بدهکار شده بود. به همین دلیل در شب حادثه با هم در مقابل پارک قرار گذاشته بودند که به اختلافات شان پایان دهند اما در آنجا با هم درگیر شده و در این درگیری، یکی از آنها به قتل رسیده بود. با این اطلاعات قاضی عارفی‌راد دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی را صادر کرد و تیمی از کارآگاهان تحقیقات برای دستگیری قاتل را آغاز کرده‌اند.

دستور بازداشت یک آشنا در پرونده قتل دختر ۵ساله

تحقیقات در پرونده قتل مرموز دختری ۵ساله در پایتخت با شناسایی متهمی تازه وارد مرحله‌ای جدید شد.

به گزارش همشهری، رسیدگی به این پرونده از روز شنبه نهم اردیبهشت شروع شد. آن روز گزارش مرگ دختری خردسال که در بیمارستانی در پایتخت بستری بود به قاضی محمد وهابی، بازپرس ویژه قتل اعلام و تحقیقات در این‌باره آغاز شد. آثار سوختگی و کبودی روی دست‌ها و پاها و قسمت‌های دیگر بدن این دختر وجود داشت و نشان می‌داد که او بر اثر شکنجه و ضربه به سر به قتل رسیده است. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که پدر و مادر کودک جدا از هم زندگی می‌کنند و یک شب پیش از فوت کودک، مادر پیکر نیمه جان او را به درمانگاهی در پردیس منتقل کرده و با تشخیص پزشک، دختربچه برای ادامه درمان به بیمارستانی در تهران انتقال یافته بود. با این حال تلاش برای نجات او بی‌فایده بوده و وی جانش را از دست داده بود. نخستین فردی که پلیس به تحقیق از او پرداخت مادر کودک بود. وی گفت: من و شوهرم با وجود داشتن دختری ۵ساله از چند وقت قبل با یکدیگر دچار اختلافات شدیدی شده بودیم و جدا از هم زندگی می‌کردیم. او ادامه داد:من خانه‌ای در پردیس اجاره کرده بودم و با دخترم زندگی می‌کردم. یک روز شوهرم که در پاکدشت زندگی می‌کرد سراغم آمد و گفت دلش برای دخترمان تنگ شده است و چون خیلی التماس کرد دخترم را به او دادم تا به خانه‌اش ببرد اما صبح روز بعد، زمانی که از خانه بیرون رفتم تا زباله‌ها را جلوی در خانه بگذارم پیکر نیمه جان دخترم را دیدم که جلوی در افتاده بود. این زن ادامه داد: با دیدن او وحشت کردم. آثار کبودی و سوختگی روی پای دخترم دیده می‌شد و او را به بیمارستان رساندم اما فوت شد و آنطور که گفته‌اند او شکنجه شده و به‌دلیل ضربه مغزی جانش را از دست داده بود. من احتمال می‌دهم که دخترم توسط پدرش به قتل رسیده است. در ادامه پدر دختربچه بازداشت شد و اما خودش را بیگناه دانست. او گفت: یا همسرم دخترمان را کشته و حالا می‌خواهد به گردن من بیندازد و یا فردی آشنا که به خانه همسرم رفت‌وآمد می‌کرد جانش را گرفته است. او ادامه داد: آن فرد آشنا چند روز قبل به من پیام داد که به‌زودی دخترم را به مرکز نگهداری اطفال در بهزیستی می‌سپارد. من در این مدت دخترمان را ندیده‌ام و آن شب هم به‌دنبال او نرفتم، همسرم دروغ می‌گوید. در ادامه بازپرس جنایی تهران دستور بازداشت مادر را هم صادر کرد اما او اصرار داشت که شوهرش قاتل است. اما اظهارات ضدونقیض مادر موجب شد که احتمال قتل از سوی فرد آشنا که به خانه مادر کودک رفت‌وآمد می‌کرد قوت یابد. از طرفی مادر برای اثبات حرفش درباره اینکه دخترش را تحویل پدر داده مدرکی نداشت. او همچنین مدعی بود که فرد آشنا به خانه‌اش رفت‌وآمدی ندارد اما در ادامه بررسی‌ها معلوم شد که او دروغ می‌گوید و فرد آشنا بارها به خانه او رفت‌وآمد می‌کرده است. از همه مهم‌تر اینکه وقتی مأموران برای تحقیق از فرد آشنا به خانه‌اش رفتند، معلوم شد که او بعد از قتل دختربچه فراری شده و به خانه‌اش نرفته است. همه اینها باعث شد تا فرضیه اینکه وی در قتل دختربچه نقش دارد پررنگ شود و در این شرایط بازپرس جنایی دستور بازداشت وی را صادر کرده و جست‌وجو برای دستگیری او ادامه دارد.

نجات پیش از اجرای حکم

طناب دار بر گردن مردی که ۷سال قبل مرتکب قتل شده حلقه زده بود و او در آستانه قصاص قرار داشت اما درست در لحظات آخر اولیای دم مقتول او را بخشیدند تا به زندگی برگردد.

به گزارش همشهری، این پرونده جنایی اواسط سال ۹۴در رفسنجان به جریان افتاد. ماجرا از این قرار بود که در جریان درگیری بین ۲نفر یکی به‌دست دیگری به قتل رسید و متهم دستگیر و به قصاص محکوم شد. این رأی مدتی بعد در دیوان عالی کشور تأیید و به اجرای احکام فرستاده شد.

از همان زمان متهم به قتل و نزدیکانش تلاش‌های زیادی برای جلب رضایت اولیای دم انجام دادند اما این تلاش‌ها به جایی نرسید. سرانجام روز اجرای حکم فرا رسید. پیش از آنکه محکوم به قصاص پای چوبه دار برود بار دیگر مسئولان اجرای احکام تلاش کردند تا شاید آنها حاضر به بخشش قاتل شوند اما آنها گفتند رضایت نمی‌دهند. در این شرایط بود که قاتل پای چوبه دار منتقل شد و طناب به گردنش انداخته شد. چند لحظه بیشتر تا زمان اجرای حکم باقی نمانده بود اما درست در همان لحظات اولیای دم اعلام کردند قاتل را بخشیده‌اند. در این شرایط بود که طناب دار از گردن قاتل باز شد و او نجات یافت. به گفته ایمان شهسواری، دادستان عمومی و انقلاب رفسنجان، با گذشت اولیای دم، جوان محکوم به قصاص از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد.